

چگونگی مواجهه نظام حقوقی فرانسه با مسئله تغییر بنیادین اوضاع و احوال

منصور امینی^۱ - عصمت گلشنی^۲ - سید مهدی حسینی مدرس^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۳/۲۶

چکیده

به طور سنتی در نظام حقوقی فرانسه، تغییر بنیادین اوضاع و احوال زمان انعقاد قرارداد و تأثیری که از این حیث بر قرارداد و طرفین آن می گذارد، با دو واکنش مواجه می شود: (۱) قاعده حقوقی که اختصاصاً به تغییر بنیادین شرایط حین انعقاد عقد مربوط است یعنی نظریه «امپرویزیون» که بیشتر در قراردادهای اداری به کار برده می شود (۲) مفاهیم دیگری که اختصاص به تغییر بنیادین اوضاع و احوال موجود به هنگام انعقاد قرارداد ندارند اما در شرایطی خاص، از آن‌ها برای اجتناب از نتایج نامناسب ایجاد شده در اثر تغییر در اوضاع و احوال زمان انعقاد قرارداد، استفاده می شود. در نتیجه تلاش‌های دکتربین و رویه قضایی فرانسه، نهایتاً در سال ۲۰۱۶ قانون مدنی فرانسه اصلاح گردید؛ به گونه‌ای که نظریه امپرویزون به عنوان قاعده‌ای از قواعد عمومی قراردادها صراحتاً در قراردادهای خصوصی مورد شناسایی قرار گرفت. این پژوهش با تحلیل این واکنش‌ها و اصلاحات قانونی، تصویری کلی و جامع از چگونگی مواجهه نظام حقوقی فرانسه با مسئله تغییر بنیادین اوضاع و احوال را پیش رو می‌نهد.

واژگان کلیدی: امپرویزیون، تغییر اوضاع و احوال، اصل لزوم قرارداد، تعدیل، مذاکره مجدد.

man.amini@sbu.ac.ir

۱. دانشیار دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)

Esmat.golshani@isu.ac.ir

۲. استادیار گروه حقوق دانشگاه امام صادق (ع)

Mahdi.modarres@gmail.com

۳. دانش آموخته دکتری حقوق خصوصی دانشگاه شهید بهشتی

مقدمه

ترازی طرفین قرارداد، بر مبنای حقایقی است که در زمان انعقاد قرارداد موجود و برای آن‌ها معلوم است؛ اما گاهی پس از انعقاد به صورت اتفاقی، تغییرات پیش‌بینی نشده‌ای در اوضاع و احوال حین توافق رخ می‌دهد که اجرای قرارداد را برای یکی از طرفین دشوار، پرهزینه یا کم‌منفعت (ضرری) می‌سازد. در این مقاله به چگونگی مواجهه نظام حقوقی فرانسه با مسئله تغییر اوضاع و احوال و آثار آن بر قرارداد و نیز نحوه توزیع ریسک میان طرفین، پرداخته خواهد شد. در این کشور در مورد تأثیر تغییر ناگهانی و غیر مترقبه اوضاع و احوال بر وضعیت قرارداد و روابط طرفین، دو تأسیس حقوقی «فورس ماژور»^۱ و «امپرویزیون»^۲ وجود دارد که اولی ناظر به غیرممکن شدن اجرا در اثر تغییر شرایط و از موضوع مقاله حاضر خارج است و دومی ناظر به دشواری یا ضرری شدن اجرا در اثر تغییر غیرمنتظره شرایط است که در این مقاله به توضیح آن خواهیم پرداخت (شماره ۱) در قسمت دوم نهادهای مشابه با امپرویزیون را مطرح و توضیح خواهیم داد که این نهادها چه جایگاهی در حل اختلافات راجع به تغییر شرایط پس از انعقاد قرارداد دارند (شماره ۲).

موضوع تغییر اساسی اوضاع و احوال از مسائل بسیار مهم نظام حقوقی ما است که روز به روز با پیچیده‌تر شدن نظام معاملی و اقتصادی ضرورت تغییر رویکرد نسبت به این مسئله بیشتر احساس می‌شود. بررسی چگونگی مواجهه نظام حقوقی فرانسه با این مسئله از چند جهت ضرورت دارد، نخست آنکه نمونه بسیار روشنی از تحولات نظام حقوقی و قانون‌گذاری را در یکی از کهن‌ترین و پیشرفته‌ترین مظاهر نظام حقوقی نوشته‌ته که نظام حقوقی ما نیز تأثیر قابل توجهی از آن پذیرفته است، فرا روی قانون‌گذار کشورمان می‌نهد؛ تا با آگاهی از سیر تاریخی این تحول در نظام حقوقی فرانسه، راه‌رفته دوباره جسته نشود و با هزینه و زمان کمتری بتوان اقدام به اصلاح نظام حقوقی کرد. دوم آنکه با توجه به طرح فزاینده پرونده‌هایی - بخصوص در حوزه تجارت بین‌الملل - که به مسئله تغییر اوضاع و احوال گره خورده‌اند، اطلاع از رویکرد نظام حقوقی فرانسه در این خصوص کمک خواهد کرد که چه در مرحله مذاکره و انعقاد قرارداد و چه در موقع رسیدگی به حل اختلاف، بهتر بتوان از منافع اتباع ایرانی محافظت کرد.

1. force majeure.

2. imprévision.



۱- دکترین «حوادث پیش‌بینی نشده»^۱

«امپرویزیون» یا «حوادث پیش‌بینی نشده» مهم‌ترین مفهوم مربوط به آثار اوضاع و احوال غیر من تظره بر تعهدات قراردادی در حقوق فرانسه است. در این قسمت، موضع‌گیری سستی حقوق فرانسه نسبت به امکان دخالت و ایجاد تغییر در قرارداد پس از شکل‌گیری آن و تحولات این موضع‌گیری در گذر زمان در قانون و رویه قضایی، با تفکیک در حقوق اداری و خصوصی، تشریح می‌شود.

۱-۱- تعریف

نظریه امپرویزیون به طور کلی در پرونده‌هایی مطرح می‌شود که در آن‌ها اوضاع و احوال اقتصادی پیش‌بینی نشده‌ای، بعد از انعقاد قرارداد رخ می‌دهد و اجرا را بشدت دشوار یا پرهزینه‌تر می‌سازد ولی غیرممکن نمی‌کند.^۲ «امپرویزیون» مبتنی بر عدم توازن اقتصادی بین تعهدات قراردادی در زمان اجراست لذا در قراردادهای مبتنی بر حدس و گمان مثل معاملات بورس اعمال نمی‌شود، زیرا داشتن ماهیت «شانسی یا احتمالی» جزئی از این قراردادهاست.^۳ این نظریه معطوف به حل تعارض است بین (۱) عدالت معاوضی که به دنبال حفظ پیوستگی تعهدات و یک معامله متناسب است و (۲) اصل لزوم وفای به عقد که به دنبال هدف کلی‌تر «قطعیت حقوقی» است.

۲-۱- تحولات دکترین «امپرویزیون» در گذر تاریخ

علیرغم پذیرفته شدن مفهوم سستی «ربوس سیک استانتی بوس»^۴ در دکترین و رویه قضایی فرانسه در قرن‌های ۱۷ و ۱۸، این مفهوم در پیش‌نویس قانون مدنی درج نشد و برعکس اصل

۱. در ترجمه واژه فرانسوی «*imprévision*» تعابیر دیگری نیز بکار رفته است مانند: «ایجاد مانع بر اجرای قرارداد» (میر محمد صادقی، حسین، «بررسی تطبیقی نظریه عقیم شدن اقتصادی قراردادهای تجاری»، مجله تحقیقات حقوقی، ص ۳۴۳)، نظریه «عدم پیش‌بینی» (حسین آبادی، امیر، «تعادل اقتصادی در قرارداد (۲)»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۱ و ۲۲، زمستان ۷۶ تا تابستان ۷۷، صص ۱۲۲ به بعد)، نظریه «امور غیر قابل پیش‌بینی» (طباطبائی مؤتمنی، منوچهر، حقوق اداری، تهران؛ سمت، ج ۱۶، تابستان ۱۳۹۰، صص ۴۰۲ به بعد).

2. Delvolvé, Jean-Louis, *L'imprévision dans les contrats internationaux*, in *Travaux du Comité français de droit international privé*, 1988-1990, pp. 147-170, p. 147.

3. Art. 7 al 2, 'Loi Faillot' 21 January 1918.

4. *clausula rebus sic stantibus*.

«شرط عدم تغییر اوضاع و احوال»: قراردادهایی که اجرایشان متضمن انجام اعمال پی‌درپی و متوالی در یک دوره زمانی در آینده هستند، مشمول این شرط‌اند که اوضاع و احوال بهمان شکل اولیه باقی بماند.

لزوم قراردادهای مجدداً به شکلی قوی در ماده ۱۱۳۴ ق.م. شناسایی شد.^۲ تصویب این ماده که واضع اصل ثبات و قطعیت قراردادهاست، تأثیرپذیری قوی حقوق فرانسه از حاکمیت اراده را روشن می‌سازد. ایده مشابهی نیز مبنای وضع ماده ۱۷۹۳ ق.م. این کشور است؛^۳ بنابراین مفهوم «امپرویزیون» در ق.م. فرانسه شناسایی نشد که علاوه بر اصل لزوم می‌تواند در نتیجه تأثیر مکتب تاریخی حقوق رم، مکتب حقوق طبیعی و اقتصاد آزاد باشد.^۴ شارحان بعدی قانون، «امپرویزیون» را پذیرفتند حال آنکه پوتیه^۵ و کوجاس^۶ حتی به آن اشاره هم نکردند.^۷ گرایش سنتی قانون‌گذار و رویه قضایی به اصل تقدس قراردادهای و دیدگاه منفی نسبت به امکان بازنگری در قرارداد موجب شد که قانون‌گذار تأثیرگذاری او ضاع و احوال جدید بر قراردادهای را فقط در صورت فورس ماژور (غیرممکن شدن اجرا) بپذیرد و «حوادث پیش‌بینی نشده» (دشواری شدن اجرا) را فقط در موارد محدودی شناسایی کند مثل آنچه به‌طور خاص در مواد ۱۷۶۹ تا ۱۷۷۳ موجود است. بر اساس ماده ۱۷۶۹ در موارد تلف اتفاقی همه یا حداقل نصفی از محصول درجایی که اجاره برای چندین سال منعقد شده، یک کشاورز می‌تواند تحت شرایط خاصی در اجاره‌بهای مقرر برای زمین کشاورزی، تخفیف بگیرد؛ اما بعد از تصویب ق.م. هم در قانون و هم در رویه قضایی تأثیرگذاری حوادث غیرمنتظره‌ای که به حد ایجاد مانع بر اجرای قرارداد نمی‌رسیدند، به‌طور فزاینده‌ای مورد شناسایی قرار گرفت.

1. *pacta sunt servanda*.

2. R.A. Momberg Uribe, *The effect of a change of circumstances on the binding force of contracts- Comparative perspectives*, PhD thesis Utrecht University, 2011, pp. 44-45.

۳. «جایی که یک معمار یا پیمانکار متعهد شده ساختمانی را با قیمت معین و طبق نقشه تعیین و توافق شده با مالک زمین بنا کند، او نمی‌تواند تقاضای هیچ‌گونه افزایشی در قیمت را بنماید، چه به بهانه افزایش [قیمت] نیروی انسانی یا مواد اولیه و چه بر اساس تغییرات و اضافات ایجاد شده در نقشه، مگر آن تغییرات یا اضافاتی که کتباً اجازه داده و قیمتش با مالک توافق شده.»

۴. لیبرالیسم به‌عنوان جریان فلسفی غالب در قرن ۱۸، منجر به ایده‌هایی شد که با اعمال محدود دکتورین ریوس – آن‌طور که متخصصان حقوق کلیسا (حقوق شرعی) مقرر کرده بودند – مطابقت نداشت. برعکس، اصل لزوم وفای به عقد، کاملاً با مفهوم آزادی کسب و کار و تجارت هم‌راستا بود لذا که ریوس در قانون تصویب شده در خلال این دوران مقرر نشده بود.

Denis Philipe, *France and Belgium*, in: *Foreseen and Unforeseen Circumstances*, A.G. (Castermans et al. (rds.), Kluwer, 2012, P. 151

5. Pothier.

6. Cujas.

7. Voirin, Pierre-Joseph, *De l'imprévision dans les rapports de droit privé: [Thèse]*, Nancy, 1922, pp. 46-7.

۱-۲-۱- مصادیق قانونی

با وجودی که به عنوان یک قاعده کلی امکان مداخله در قرارداد بر اساس تغییر اوضاع و احوال، به طور سنتی در قانون و رویه قضایی فرانسه پذیرفته نشده اما از طریق تصویب قوانین موقتی و خاص، گرایشی تقنینی به پذیرش امکان تعدیل قرارداد در موارد خاص و نه به صورت کلی وجود دارد؛ در همین راستا قانون موقتی در مورد هاردشیپ، در واکنش به جنگ‌های جهانی و بحران‌های اقتصادی تصویب شد؛ بعد از وقوع جنگ جهانی اول، ادبیات حقوقی به دنبال ارائه دلایلی تئوریک برای تیرئه کردن بدهکاری بود که نمی‌توانست تعهدات قراردادی‌اش را به علت بشدت دشوار شدن آن‌ها اجرا کند. لذا مفهوم ربوس نظرات حقوقدانان را به خود جلب و در قانون «Failliot Loi»^۱ (۲۱ ژانویه ۱۹۱۸) به صورت امکان فسخ قرارداد توسط دادگاه‌ها پذیرفته شد.^۲

پس از این قانون، شمار فزاینده‌ای از قوانینی که به طور کلی از «طرف‌های ضعیف‌تر» در قراردادها حفاظت می‌کنند، تصویب شدند. بسیاری از این قوانین مستقیماً به دکترین «امپرویزیون» مربوط بودند مثل قانون ۳۰ جولای ۱۹۳۰ (مواد ۱۷ و ۲۰) در خصوص قراردادهای بیمه، قانون ۲۲ N49-547 آوریل ۱۹۴۹، قانون ۳۰ سپتامبر ۱۹۵۳ راجع به اجاره در امور تجاری و همچنین ماده ۳۷ قانون ۱۱ مارس ۱۹۵۷ در خصوص کپی‌رایت و مالکیت آثار ادبی و هنری (L. 131-5 قانون مالکیت فکری).^۳ همچنین می‌توان به قانون ۳ جولای

۱. قانون Failliot مورخ ۲۱ ژانویه ۱۹۱۸، فسخ (و نه بازنگری) بعضی انواع قراردادهای بیع متضمن اجرایی متوالی یا معوق منعقد شده قبل از ۱۹۱۴ (قبل از جنگ جهانی اول) توسط یکی از طرفین را اجازه می‌دهد، اگر او بتواند ثابت کند که به دلیل جنگ هزینه‌ها یا ضررهای اجرا به میزان زیادی از هزینه‌هایی که منطقیاً در زمان انعقاد قرارداد قابل پیش‌بینی بوده‌اند، بیشتر شده است.

۲. همچنین قانون مارس ۱۹۱۸ را ملاحظه کنید (راجع به تعدیل قرارداد اجاره مال غیرمنقول) و همین‌طور قوانین ۶ جولای ۱۹۲۵، ۸ آوریل ۱۹۳۳، ۱ ژانویه ۱۹۲۴، ۱۱ نوامبر ۱۹۳۲، ۱۲ جولای ۱۹۳۳ و ۲۲ آوریل ۱۹۴۹ که قانون اخیر امکان فسخ قراردادهای منعقد شده قبل از ۲ سپتامبر ۱۹۳۹ (قراردادهای قبل از جنگ جهانی دوم) راجع به قراردادهای ساخت و تحویل و قراردادهای متضمن اجرای متوالی و معوق را فراهم می‌سازد مشروط بر اینکه قبل از ۱ جولای ۱۹۴۹ طرح دعوا شده باشد.

۳. ماده ۳۷ قانون ۱۱ مارس ۱۹۵۷ مقرر می‌کند که: نویسنده یک اثر فکری که حقوق انتفاعش را فروخته و در اثر عدم اجرای عقد یا محاسبه ناکافی متحمل ضرری بیش از هفت دوازدهم شده باشد، حق دارد که درخواست بازنگری در قیمت قراردادی را بنماید.

۱۹۷۱ (ماده ۲۷۶ ق. م. ۱)، قانون ۱۱ جولای ۱۹۷۵ راجع به اصلاح [مقررات راجع به] طلاق (نتایج طلاق) (ماده ۲۷۶ ق. م.) که مبلغ نفقه را تعدیل می‌کند، قانون ۴ جولای ۱۹۸۴ (مواد ۹۰۰ تا ۹۰۲ ق. م.) راجع به تعدیل قرارداد هبه یا وصیت در اثر تغییر شرایط حین عقد و سرانجام بند ۲ ماده ۹۸ قانون ۲۵ ژانویه ۱۹۸۵، اشاره کرد. همه این مثال‌ها نشان می‌دهند که اصل تقدس قراردادها تا چه حد مشمول استثنائات واقع شده است. البته باید توجه داشت که این استثنائات قانونی، فقط «در موارد خاص» یا «برای مدت معین» شناسایی شدند.

۲-۲-۱- مصادیق قضایی

تحولات قضایی را می‌توان در دودسته حقوق اداری و حقوق خصوصی (در دودسته آراء تجاری و مدنی) بررسی کرد.

۱-۲-۲-۱- حقوق اداری

در حقوق فرانسه، تئوری معروف «امپرویزیون» که در صورت تغییر اوضاع و احوال، امکان مذاکره مجدد به منظور اصلاح قرارداد را فراهم می‌سازد، صرفاً نسبت به قراردادهای اداری (قراردادهایی که موضوعشان انجام یک خدمت عمومی است) اعمال می‌شده است.^۲ این دکتترین به طور کلی از زمان حکم معروف در قضیه گاز شهر بوردو^۳ شناسایی شد. پرونده مربوط به قرارداد تأمین خدمات عمومی برای تأمین گاز شهر بوردو بود که در سال ۱۹۰۴ برای یک دوره ۳۰ ساله منعقد شده بود اما به دلیل شروع جنگ ده سال بعد، هزینه تأمین زغال سنگ (ماده اولیه تولید گاز) به صورت غیرمنتظره برای شرکت تأمین کننده حدوداً ۴ برابر شد لذا وی به دنبال تعدیل قرارداد و افزایش نرخ ارائه خدمات شد. شهرداری شهر بوردو و متعاقباً دادگاه بدوی این درخواست را نپذیرفتند اما دادگاه تجدیدنظر رأی را نقض کرد. در ۱۳ مارس ۱۹۱۶، شورای دولتی^۴ اجازه مذاکره مجدد قرارداد را داد و با توجه به عدم حصول توافق میان طرفین،

۱. بند ۱ ماده ۸۵۵ ق. م. (بر اساس قانون ۳ جولای ۱۹۷۱) در مورد قراردادهای قانونی راجع به ترکه یا پاداش، تحت شرایط خاصی تعدیل قرارداد را مقرر می‌کند، وقتی که ارزش کالاهای موضوع قرارداد، از زمان تقسیم، بیش از یک چهارم بیشتر یا کمتر شده باشد.

2. Ingeborg Schwenzer, Force Majeure and Hardship in International Sales Contracts, VUWLR, 39, 2008, p. 710 (pp. 709-726.)

3. Gaz de Bordeaux.

۴. d'État counsel که عالی‌ترین دادگاه اداری در فرانسه است.



قرارداد را بر اساس اصل «استمرار خدمات عمومی»^۱ تعدیل کرد.^۲ متعاقباً آراء قضایی فراوانی به همین شکل از دادگاه‌های اداری صادر شد؛^۳ علت پذیرش نظریه «حوادث پیش‌بینی نشده» در قراردادهای اداری، لزوم حمایت از منافع عمومی برای ادامه یافتن این خدمات است. بر اساس آراء اداری، با افزایش قیمت مواد اولیه، مبنای اقتصادی قرارداد کاملاً متزلزل شده پس دادگاه می‌تواند قیمت مندرج در قرارداد را تعدیل کند زیرا انجام این امر موجب می‌شود خدمات عمومی مانند گذشته در اختیار مردم قرار گیرد.^۴ اصل استمرار خدمات عمومی به ویژه بر بازارهای حمل و نقل، فعالیت‌های عمومی و توزیع، اعمال می‌شود.^۵ عدم توازن قراردادی باید به وسیله واقعه‌ای به وجود آمده باشد که نسبت به متعاقدین، خارجی و غیرقابل پیش‌بینی است و آن واقعه باید منجر به دشوار شدن بیش از اندازه برای متعاقدین شود. اگر عدم توازن دائمی باشد، قرارداد قابل فسخ است.^۶

۱-۲-۲-۲-۱- حقوق خصوصی

۱-۲-۲-۲-۱- دیدگاه سنتی (دکترین سنتی تقدس قراردادها)

برخلاف دادگاه‌های اداری، به طور سنتی و تا قبل از تصویب مقررات جدید قانون مدنی فرانسه در ۱۰ فوریه ۲۰۱۶، دادگاه‌های مدنی به طور کلی از شناسایی حق بازنگری در قرارداد بر اساس دکترین «امپرویزیون» استنکاف کرده‌اند و علت این بود که در قراردادهای خصوصی «منفعتی عمومی» وجود ندارد که لازم باشد مورد حمایت قرار گیرد. با این وجود، بر مبنای «انصاف» می‌شد گرایشی بر مداخله در قرارداد را بین قضات دادگاه‌های حقوقی نیز مشاهده کرد حتی

1. 'La continuité du service public'.

2. CE. 5 November 1982, soc. Propétrol, AJDA, 1983, 259, conc. Labetouille.

3. For instance, CE 9 Dec. ۱۹۳۲, S. ۳۹-۳-۱۹۳۲; CE ۱۵ July ۱۹۴۹, S. ۶۱-۳-۱۹۵۰; CE, 3 Feb 1905, Ville de Paris, Rec 105; 30 Oct 1925, Mas-Gayet, Rec 836; 22 Feb 1963, Ville d'Avignon, Rec 115; Sect 12 Mar 1976, Département des Hautes-Pyrenées, Rec 155.

4. A. D. M. Forte, Economic Frustration of Commercial Contracts- A Comparative Analysis with Particular Reference to United Kingdom, *The Judicial Review*, 1984, p. ۱۳ (pp. 1-24).

۵. در فرانسه تفسیر قرارداد در فرضی که یک نهاد عمومی درگیر است، تحت حاکمیت قواعد حقوق مدنی (droit civil) نیست، بلکه مسئله‌ای مربوط به حقوق اداری (droit administratif) است و لذا استدلال شورای دولتی با استدلال دادگاه‌های مدنی و تجاری متفاوت است.

6. CE. 9 December 1932, Tramways de Cherbourg, DP 17 March 1933, Les grands arrêts de la jurisprudence administrative, 11th edn, n° 50.

با وجود اینکه قلمرو مداخله‌شان کاملاً محدود بود؛ اما به هر حال این اختلاف نظر بین دادگاه‌های مدنی و اداری نشان می‌داد که اجرای تئوری «امپرویزیون» در حقوق خصوصی فرانسه چقدر دشوار بوده است.

از لحاظ تاریخی، دیوان عالی فرانسه^۱ در حالی که در ابتدای قرن نوزدهم به شناسایی تئوری «حوادث پیش‌بینی نشده» نزدیک شده بود، آن را در سال ۱۹۵۶ رد کرد^۲ و در ۶ مارس ۱۸۷۶، در پرونده معروف کانال کرپونه^۳، با رد امکان خاتمه یا تعدیل قرارداد بر اساس این تئوری، اصل تقدس قراردادها را برقرار کرد^۴. پرونده مربوط به قراردادهایی بود که از سال‌های ۱۵۶۰ و ۱۵۶۷ برای تأمین آب شهری مادام البقاء با یک قیمت معین آغاز شده بودند. مدت‌ها بعد (۱۸۷۶)، مسئولان نگهداری کانال، با تورم و افزایش قیمت نیروی انسانی مواجه شده و درخواست افزایش قیمت قرارداد را کردند. دادگاه تجدیدنظر حکم دادگاه بدوی مبنی بر افزایش قیمت بر اساس «انصاف» را تأیید کرد. ولی دیوان عالی رأی را نقض و اعلام کرد: با وجود اینکه این رأی ممکن است خلاف اصول انصاف به نظر برسد، اما قاضی حق ندارد گذشت زمان و تغییر اوضاع و احوال را به عنوان مبنایی برای تغییر دادن یا تعیین شرایط جدید برای قرارداد تلقی و قراردادی که طرفین آزادانه منعقد کرده‌اند را بر اساس ماده ۱۱۳۴ ق.م. تغییر دهد. در واقع دیوان عالی اصل واجب‌الحرمت و مصون از تعرض بودن قراردادها را بار دیگر تأیید کرد.^۵

سال‌ها بعد (۱۸ مارس ۲۰۰۹) دیوان عالی در مورد قرارداد اجاره‌ای که مستأجر در قبال تخفیف گرفتن در بخشی از اجاره‌بها، متعهد به مراقبت از موجر شده بود، مجدداً اصل لزوم را تأیید کرد؛ پس از فوت موجر، وراثت وی مدعی بودند که مستأجر متعهد به مراقبت از موجر

۱. core de cassation؛ عالی‌ترین مرجع رسیدگی به امور مدنی در فرانسه.

2. Cass. Civ. 9 January 1856 (7 cases) DP 1856, 1, p. 33, report Nicias-Gaillard, که از نظر دیوان عالی افزایشی غیرقابل پیش‌بینی در حق‌الزحمه، فورس ماژور را شکل نمی‌داده چون آن افزایش، اجرای قرارداد بیمه را غیرممکن نمی‌کند لذا علی‌رغم تغییر اوضاع و احوال، قرارداد باید معتبر اعلام شود: Cass. Civ., 11 March 1856, DP 1856, 1, p. 100; 2 April 1856, DP 1856, 1, p. 101; 7 March 1859, 1, p. 118.

همچنین ببینید: Cass. Civ., 24 March 1874 (2nd case), S. 1874, 1, p. 428.

3. «L'arrêt Canal de Craponne».

4. DP 1876, 1, p. 193, note A, Giboulot; S. 1876, 1, 161.

5. Cass. Civ., 6 March 1876, (DE Galliffet v. Commune de Pélissanne) DP 76.1.195.S. Giboulot, 76.1.161, Grands arrêts n°94.



بوده و حالا با مرگ موجر این تعهد باید به معادل پولی آن تبدیل و به اجاره بها اضافه شود. دادگاه تجدیدنظر با بیان اینکه با فوت موجر، انجام تعهد به مراقبت غیرممکن شده و لذا توازن قرارداد در بخشی از اجاره بها که در مقابل تعهد قرار داشته برهم خورده، ادعای وراثت را پذیرفت. دیوان عالی رأی دادگاه تجدیدنظر را با این استدلال نقض کرد که قرارداد حاوی هیچ شرطی راجع به تعدیل در مورد تعهدات توافق شده نبوده و لذا بازنگری در مفاد قرارداد متضمن نقض بند ۱ ماده ۱۱۳۴ ق. م. است.^۱ پافشاری بر اصل لزوم قراردادهای مکرراً در آراء بعدی نیز مورد تأیید قرار گرفت.^۲

۱-۲-۲-۲-۲ دیدگاه مترقی (تحول حقوق خصوصی به سمت پذیرش دکترین «امپرویزیون»)

تا قبل از تصویب مقررات جدید قانون مدنی فرانسه، اصل تقدس قراردادهای به عنوان قاعده اصلی توسط بخش های مدنی و تجاری دیوان عالی رعایت می شد. با این حال، آثار نامناسبی که عدم پذیرش امپرویزیون بر قراردادهای خصوصی می گذاشت، دکترین حقوقی را به سمت پذیرش راه حل عملگرایانه امکان بازنگری در قراردادهای سوق داد؛ حقوقدانان بسیاری در صورت وجود اوضاع و احوال غیرمنتظره، به نفع مذاکره مجدد قرارداد به دستور قاضی استدلال کردند.^۳ در راستای نیاز غیرقابل انکار به شناسایی نهادی در حقوق خصوصی که بتواند آثار دشوار شدن اجرای تعهدات را قانونمند نماید و در نتیجه تلاش های دکترین، تحولاتی در دو

1. Civ. 3e, 18 mars 2009, n. 07-21.260, D. 2009. AJ 950, obs. Y. Rouquet.

۲. ببینید:

Cass civ, 6 June 1921, Bull civ, n° 95; Cass com, 18 Jan 1950, D 1950, 227; 18 Dec 1979, pourvoi n° 78-10.763, Bull civ IV, n° 339; civ 3, 30 May 1996, pourvoi n° 94-15.828, Contrats, conc, consom 1996, n° 185; com 18 Mar 2009, pourvoi n° 07-21.260, Bull civ III, n° 64.

3. Mazeaud, Denis, La révision du contrat. Rapport Français, Paris: Société de Législation comparée, 2008, p. 559; Terre, François, Simler, Philippe, Lequette, Yves, Droit civil. Les obligations, Dalloz, ۲۰۰۲, pp. ۴۳۴-۴۴۰; Bénédicte Fauvarque-Cosson, Le changement de circonstances, Durées et contrats, Revue des contrats, 2004, pp. 67 et seq Claude Witz, Force obligatoire et durée du contrat, in Les concepts contractuels du droit français à l'heure des Principes du droit européen des contrats, Dalloz, 2003, p. 175; Christophe Jamin, Révision et intangibilité, in Que reste-t-il de l'intangibilité du contrat, Droit et patrimoine, mars 1998, pp. 46 et seq.

حوزه به وجود آمد (رویه قضایی و تلاش‌های انجام‌شده برای اصلاح ق.م.) که در نهایت منجر به تغییر ق.م. گردید.

الف- تحولات در روبه قضایی

در شمار فزاینده‌ای از پرونده‌ها، قضات قراردادها را بازنگری کرده و به‌طور کلی اوضاع و احوال تغییر یافته‌ای که اجرای قرارداد را دشوارتر می‌کردند و به طرفین انگیزه‌ای برای مذاکره مجدد روی مفاد قراردادشان می‌دادند را مدنظر قراردادند.^۱ تعهد به مذاکره مجدد به موجب اصل حسن نیت بین طرفین در اجرای قرارداد، آن‌گونه که در بند ۳ ماده ۱۱۳۴ ق.م.ا. وضع شده، توجیه می‌شد.^۲ احکام دیوان عالی در ۱ دسامبر ۱۹۹۵ در مورد اختیار دادگاه‌ها به تعیین قیمت قراردادی، گامی مثبت در جهت شناسایی نظریه «امپرویز یون» به شمار می‌رود.^۳ اخیراً نیز این دیوان در آراء خود به صورت محدود و از طریق وظیفه به مذاکره مجدد، این نظریه را شناسایی کرده است.^۴ گرایش به شناسایی نظریه ابتدا در شعب تجاری دیوان عالی^۵ و سپس در شعب مدنی^۶ مشاهده می‌شود. دیوان عالی پذیرفته که اگر اوضاع و احوال جدی و پیش‌بینی نشده‌ای منجر به عدم توازن شدید در قرارداد شوند، اصل حسن نیت حکم می‌کند که طرفی که از شرایط جدید سود برده بنا به درخواست طرف زیان‌دیده، ملزم به انجام مذاکره مجدد شود. در پرونده معروف^۷ اُوارد^۸ قیمت توافقی با گذشت زمان دیگر رقابتی نبود لذا مشتری شرکت نفتی

۱. مقایسه کنید با: Cass. Com., 3 November 1992, 'arrêt Huard', Bull. Civ. 1992 IV n°338, p. 241, JCP; 24 November 1993, n°46-7, p. 469.

همچنین ببینید: Cass. Com. 24 November 1998, Bull. Civ. 1998 IV n°277, p. 232, JCPE; 22 July 1999, n°29, p. 1242, Obs. C. Jamin.

۲. «قراردادها باید با حسن نیت اجرا شوند».

3. P. Mazzacano, 'Force Majeure, Impossibility, Frustration & the Like: Excuses for Non-Performance; the Historical Origins and Development of an Autonomous Commercial Norm in the CISG', Nordic Journal of Commercial Law, 2011, p. 46.

4. R.A. Momberg Uribe, The effect of a change of circumstances on the binding force of contracts- Comparative perspectives, PhD thesis Utrecht University, 2011, p. 54.

5. Cass. com., 3 November 1992, «arrêt Huard», D. 1995, Somm. p. 85, note D. Ferrier; Cass. com. 24 November 1998, «arrêt Chevassus-Marge», D. 1999, IR p. 9; Cass. civ. 16 March 2004, D. 2004 Somm. p. 1754, note Denis Mazeaud; CA Nancy 2nd Ch. Com. 26 September 2007, La Semaine Juridique No 20, 14 May 2008, p. 29.

6. Chambre of Commerciale.

7. Chambre of Civile.

8. l'arrêt Huard, Cass. com, 3 November 1992, D. 1995, Somm. p. 85, note D. Ferrier.

از وی درخواست بازنگری در قیمت را نمود تا وضعیت اقتصادی‌اش بهبود یابد. شعبه تجاری دیوان عالی در ۳ نوامبر ۱۹۹۲ اظهار کرد که شرکت نفتی باید خسارت پرداخت کند چون با خودداری از انجام مذاکره مجدد قرارداد توزیع را با حسن نیت انجام نداده است. شش سال بعد یعنی در ۲۴ نوامبر ۱۹۹۸، شعبه تجاری دیوان عالی درجایی دیگر^۱ نیز همین استدلال را کرد. در این پرونده، اصیل که به نماینده تجاری‌اش اختیار نداده بود قیمت‌های بازاری را به صورت رقابتی تعیین کند، مسئول شناخته شد.

از میان آراء شعب مدنی دیوان عالی هم می‌توان به حکم مورخ ۱۶ مارس ۲۰۰۴ اشاره کرد. شرکتی که فرانشايز یک رستوران تأسیس شده توسط یک سازمان عمومی را در اختیار داشت، به دلیل وقوع اختلال در توازن قرارداد، قصد فسخ آن را داشت. دادگاه تجدیدنظر ضمن رد ادعا حکم داد که شرکت باید برای نقض قرارداد خسارت هم بپردازد. شرکت مذکور بر طبق وظیفه به حسن نیت (مواد ۱۱۳۴ و ۱۱۴۷ ق.م.)، فرجام‌خواهی و ادعا کرد که عدم توازن در تعهدات در اثر برتری یک طرف در زمان انعقاد قرارداد، اجرا را بشدت دشوار کرده بوده و تقاضا کرد که تکلیف به مذاکره مجدد برطرف برتر تحمیل تا توازن مجدداً برقرار گردد. دیوان عالی تقاضا را رد و اظهار کرد که اگر توازن اقتصادی بین تعهدات در زمان انعقاد قرارداد وجود داشته و تحت تأثیر یک تغییر غیرمنتظره در شرایط قرار نگرفته، هیچ وظیفه‌ای به انجام مذاکره مجدد وجود ندارد و زیان دیده باید نتایج قصور یا بی‌تدبیری‌اش در هنگام انعقاد را تحمل کند. حکم این‌طور تفسیر شد که اگر تغییر پیش‌بینی نشده‌ای در اوضاع و احوال، به طوری توازن تعهدات متقابل را تحت تأثیر قرار دهد، برای بازگرداندن آن تعادل وظیفه به مذاکره مجدد به وجود می‌آید.^۲

ب- تلاش‌ها برای اصلاح قانون مدنی

تمامی ضرورت‌های پیش‌گفته در خصوص شناسایی نهادی مشابه «امپرویزيون»، دکتترین فرانسه را به تلاش‌هایی عملی برای تغییر قوانین واداشت. ماحصل این تلاش‌ها انجام چند پروژه معروف ذیل بود که در نهایت و به تازگی منجر به تغییر ق.م. فرانسه در فوریه ۲۰۱۶ شد.

1. l'arrêt Chevassus Marge, Cass. com. 24 November 1998, D. 1999, IR p. 9.

2. Cass. civ. 16 March 2004, D. 2004 Somm. p. 1754, note D. Mazeaud.

3. R.A. Momberg Uribe, op. cit., p. 56.

پروژه کاتالا

در ۲۲ سپتامبر ۲۰۰۵ گزارشی از سوی پروفیسور Catala و تیم محققان حقوقی برجسته‌اش، با پیشنهاد اصلاح ق.م. فرانسه، به وزارت دادگستری فرانسه ارائه شد که به «پروژه کاتالا» معروف است^۱ و در آن دکترین «امپرویزیون» صراحتاً شناسایی نشده چون تهیه کنندگان گزارش معتقدند که طرفین خودشان باید دشواری‌های اجرای تعهداتشان را پیش‌بینی کنند.^۲ ولی بند ۱ ماده ۱۱۳۵ پیش‌نویس که مؤثر بودن شرایط غیرمنتظره در نتیجه دعوا را به رسمیت می‌شناسد، به طرفین اجازه می‌دهد که در صورت وقوع اوضاع و احوال غیرمنتظره‌ای که بر توازن قرارداد به گونه‌ای تأثیر می‌گذارد که یکی از طرفین منافعتش در اجرای قرارداد را از دست می‌دهد، شرط کنند مذاکره مجدد انجام شود. بند ۲ این ماده مقرر می‌کند: در صورت عدم درج چنین شرطی راجع به تعدیل در قرارداد، طرفین می‌توانند از دادگاه بدوی تقاضای صدور دستور مذاکره مجدد باهدف تعدیل قرارداد کنند. مذاکرات باید با حسن نیت انجام شوند در غیر اینصورت خسارت قابل مطالبه است.^۳ اگر مذاکرات مفید نباشند، طرفین می‌توانند قرارداد را فسخ کنند. پیشنهادها برای تعدیل قرارداد باید مطابق چهارچوب اصلی قرارداد باشند. ضمن اینکه دادگاه خودش حق تعدیل را ندارد.^۴

پروژه وزارت دادگستری فرانسه

پیش‌نویس تهیه شده توسط وزارت دادگستری^۵ معروف به پروژه شانسلری^۶ در سال ۲۰۰۸ به رهبری پرفیسور کاسون^۷ در جهت هماهنگ‌سازی حقوق قراردادهای فرانسه با پیشنهادهای اصلاح بین‌المللی و حقوق اروپا تهیه شد. ماده ۱۳۶ این پروژه، مانند پروژه کاتالا در صورت تغییر بنیادین (غیر قابل پیش‌بینی و غیر قابل تفوق) اوضاع و احوال به طرفین حق درخواست

1. Avant-projet de réforme du droit des obligations et du droit de la prescription, Arts. 1135-1 to 1135-3, available at: <http://www.ladocumentationfrancaise.fr>; last visited: 6/11/2016.

2. See commentary, p. 35, by A. Ghozi.

3. Catala, Pierre (dir.), proposals for reform of the law of obligations, translated by John Cartwright & Simon Wittaker, Oxford, UK, 2007.

4. Velimir Živković, 'Hardship in French, English and German Law', in Strani pravni život (Foreign Legal Life) - Review of the Institute of Comparative Law in Belgrade, Vol. 1, 2013, p. 8, Draft available at: <http://ssrn.com/abstract>; last visited: 8/11/2016.

5. French Ministry of Justice Project, July 2008, Art. 136.

6. Projet de la Chancellerie.

7. Benedicte Fauvarque-Cosson.



مذاکره مجدد می‌دهد بدون اینکه دادگاه در روند مذاکرات دخالتی داشته باشد گرچه طرف درخواست دهنده باید در جریان مذاکرات، به اجرا ادامه دهد؛ اما این پروژه در قسمتی، از پروژه کاتالا فراتر می‌رود بدین معنا که در صورت شکست مذاکرات مجدد از سوی طرفین، قاضی نه تنها می‌تواند قرارداد را طبق شرایطی که مناسب تشخیص می‌دهد خاتمه دهد (همان‌طور که در گزارش کاتالا پیشنهاد شده است) بلکه همچنین حق دارد که در صورت توافق طرفین بر تعدیل، آن را بازنگری و تعدیل کند.^۱

پروژه تقه

پروژه دیگر به حمایت فرهنگستان علوم اخلاق و سیاست^۲، زیر نظر پروفیسور تقه انجام و در دسامبر ۲۰۰۸ به وزارت دادگستری تحویل داده شد.^۳ این پروژه متضمن تحولات بیشتری است: در ماده ۹۲ به اصل لزوم قرارداد اشاره شده و در ادامه آمده است که در صورت تغییر بنیادین اوضاع و احوال طرفین تکلیف به مذاکره مجدد دارند و در صورتی که در مدت معقولی به توافق نرسند دادگاه می‌تواند قرارداد را مطابق انتظارات مشروع طرفین تعدیل یا فسخ کند. همان‌طور که مشاهده می‌شود، با وجود اینکه انجام مذاکره مجدد در همه پروژه‌های فوق‌الذکر مشترک است، اما قدرت دادگاه به تعدیل قرارداد در یک پروژه «وجود ندارد»، در یکی «به صورت ناقص» پذیرفته شده (مشروط بر توافق طرفین) و در دیگری «به طور کامل» شناسایی شده است.

در نتیجه این تلاش‌ها، در ۱۰ فوریه سال ۲۰۱۶، قانون‌گذار فرانسه در ماده ۱۱۹۵ ق.م. امپرویز یون را صریحاً مورد شناسایی قرار داد: اگر تغییری در شرایط که در زمان انعقاد قرارداد غیرقابل پیش‌بینی بوده، قرارداد را شدیداً برای طرفی که ریسک چنین تغییری را نپذیرفته بوده، دشوار کند، او می‌تواند از طرف دیگر تقاضای مذاکره مجدد قرارداد را بنماید. طرف نخست باید به اجرای تعهداتش در خلال مذاکرات مجدد، ادامه دهد.

اگر مذاکرات مجدد رد شوند یا شکست بخورند، طرفین می‌توانند توافق کنند که قرارداد از زمان و با شرایطی که تعیین می‌کنند، خاتمه یابد [فسخ شود]، یا به موجب توافقی مشترک

1. Denis Philippe, Foreseen and Unforeseen Circumstances, A. G. Castermans, K.J.O. Jansen, M.W. Knigge, P. Memelink & J.H. Nieuwenhuis (eds.), Wolters Kluwer, 2012, p. 161.

2. Académie des sciences morales et politiques.

3. Terré, Francois, Pour une réforme du droit des contrats, Dalloz, 2008, Art. 92.

از دادگاه بخواهند که قرارداد را تعدیل کند. اگر [طرفین] در مدت زمانی معقول به توافق نرسند، دادگاه می‌تواند به درخواست یکی از آن‌ها قرارداد را مورد بازنگری قرار داده یا آن را از تاریخ و با شرایطی که تعیین خواهد کرد، خاتمه دهد. به نظر می‌رسد اثر عملی مقررات جدید کاملاً به چگونگی تفسیر آن‌ها از سوی دادگاه‌ها بستگی دارد.^۱

۲- دیگر مفاهیم

به دلیل فقدان نص قانونی در خصوص امپرویزیون تاکنون، رویه قضایی در فرانسه تلاش می‌کردند تا با توسل به مفاهیمی دیگر با کارکرد مشابه به همان نتایج دست یابند:

۲-۱- فورس ماژور

به طور کلی، دادگاه‌ها تمایل ندارند که واقعه پیش‌بینی نشده‌ای که قرارداد را دشوارتر می‌سازد، معادل غیرممکن شدن اجرا بدانند؛ بنابراین شرایط جدیدی که اجرا را به طور اساسی دشوارتر می‌سازند، فورس ماژور را شکل نمی‌دهد.^۲ با این حال، در برخی احکام قضایی از فورس ماژور یک تفسیر موسع شده و در مواردی به اوضاع و احوال تغییر یافته‌ای که مانع اجرای قرارداد نمی‌شوند ولی منجر به عقیم شدن هدف قرارداد یا دشوار شدن اجرای قرارداد می‌شوند، نیز تعمیم داده شده است^۳ به عنوان مثال می‌توان به پرونده‌ای که در حقوق تطبیقی بسیار معروف است اشاره کرد؛ قرارداد متضمن انجام خدمتی فوری از طریق جاده بین شهرهای رُوان و پاریس بود. دو سال بعد، با سرعتی غیرمنتظره خط ارتباط ریلی بین این دو شهر ساخته شد. گرچه این ارتباط ریلی، انجام خدمت از طریق جاده را غیرممکن نکرده بود اما عملاً هدف

1. Lutz, Tobias, Introduction Imprévision into French Contract Law-Lesson to be learned from the German codification in 2002, Ius Commune Workshop on Contract Law, 2015, p. 17.

2. Puelickx, Alfons-Hendrik, Frustration, Hardship, Force Majeure, Imprévision, Wegfall der Geschäftsgrundlage, Unmöglichkeit, Changed Circumstances, 3 J.Int'L Arb. 1986, N. 2, p. 56.

Cass. Civ., 18 January 1950.

3. Thomas, Christopher S, Aspects of building contracts: a comparative view of English and French law in the light of potential harmonization, Thesis submitted for PhD School of Law- King's College London, 2016, p. 108.

طرفین از انعقاد قرارداد را منتفی ساخته بود. قاضی با تفسیری موسع از فورس ماژور، قرارداد را با اعمال این دکترین خاتمه داد.^۱

اعمال فورس ماژور به این بستگی دارد که محتوای تعهد چطور تعریف شود.^۲ در پرونده‌ای ماجر از تعهدش به تعمیر معاف شد چون این کار بدون صرف هزینه‌های بیش از حد ممکن نبود. گرچه اجرای قرارداد غیرممکن نشده و فقط پرهزینه‌تر شده بود، ولی بر اساس تعریف محتوای تعهد ماجر، به وی معافیت اعطا شد^۳ با این استدلال که تعهد ماجر به تعمیر عین مستاجر به مواردی که انجام تعمیرات به سبب وقوع شرایط غیر قابل پیش‌بینی، منجر به هزینه‌های فوق‌العاده می‌شود، تسری نمی‌یابد.

۲-۲- اشتباه

قراردادی که در نتیجه اشتباه منعقد شده باشد باطل است. اشتباه تنها در صورتی مؤثر و موجب بطلان قرارداد است که: (۱) رضایت اشتباه کننده به قرارداد مبتنی بر آن باشد، (۲) مربوط به ویژگی‌های اساسی موضوع قرارداد باشد و (۳) اشتباه کننده مقصر نباشد، (۳) اشتباه وارد قلمرو تراضی طرفین شده باشد^۴ مثلاً اینکه یک تبلیغ بر اساس اشتباهی یک طرفه آنقدر که انتظار می‌رفته موفق نشده، برای اعمال قواعد اشتباه کافی نیست.^۵ در برخی پرونده‌ها اشتباه در انگیزه انعقاد قرارداد با تحقق شرایط غیرمنتظره پیوند می‌خورد؛ مثلاً در پرونده‌ای، قطعه زمینی با قصد ساختن خانه در آن خریداری شد^۶ ولی پس از انعقاد قرارداد، مرجع صالح مجوز طرح‌ریزی

1. Dispot Merlin v. Robillard, Comm. Rouen, 28 August 1843, upheld on appeal Rouen, 9 February 1844, D., 1845, p. 4.

۲. بر همین اساس «تَنک» بین تعهدات به وسیله و تعهدات به نتیجه فرق قائل می‌شود. اگر تعهد قراردادی یک تعهد به وسیله توصیف شود، متعهد فقط در صورتی مسئول است که تفصیرش اثبات شود، درحالی که در مورد تعهدات به نتیجه، متعهد بار اثبات این که مقصر نیست را بدوش می‌کشد (Tunc, André, 'Force majeure et absence de faute en matière contractuelle', Rev. Trim. Dr. Civ., 1945, p. 235).

3. Y. Rouquet, 'Détendue de L'obligation du bailleur', Dolloz, 2001, 3622.

4. Cass. 24 April 2003. n° 01-17.458 (n° 503 FS-P+B), (2004) D, 450.

5. Cass. 16 May 1939, Giurisprudenza comparata di diritto civile, 1948, n° 88 and obs. G. B. Funaioli

۶. همچنین ببینید: Rennes, 28 March 1999؛ پرونده مربوط به قرارداد فروش زمینی بود که مجوز طرح‌ریزی متعاقباً رد شده بود. دادگاه تجدیدنظر با اینکه امکان ساخت را یک ویژگی اساسی زمین دانست اما رژیم «عیوب پنهانی» را بجای

رژیم «اشتباه» اعمال کرد. Cass. Civ. 11 February 1981, Bull. Civ., III, n° 31.

برای ساخت و ساز را صادر نکرد؛ بایع هیچ تضمینی مبنی بر اینکه مجوز صادر شود، نداده بود ولی ملک با قیمت متداول برای ساختمان سازی فروخته شده بود. بعلاوه، بایع از اینکه خریدار می خواهد با زمین چه کند آگاهی داشت. چون یک تضمین قراردادی از سوی بایع وجود نداشت، حکم به مسئولیت وی نشد اما دکتترین اشتباه اعمال گردید.^۱ این پرونده مربوط به شرایطی بود که در زمان شکل گیری قرارداد وجود داشتند (عدم وجود مجوز طرح ریزی) ولی پس از انعقاد قرارداد وقایع غیرمنتظره ای که کاملاً به قرارداد مربوط بودند، اتفاق افتادند (رد شدن مجوز طرح ریزی با وجود انتظار هر دو طرف مبنی بر صادر شدن آن).

۳-۲- تعهدات غیرمنتظره^۲

تئوری «تعهدات غیرمنتظره یا پیش بینی نشده» در ماده ۱۹ آئین نامه شماره ۲۰۰۱-۲۱۰ (۷ مارس ۲۰۰۱) پیش بینی شده است: «به جز تعهدات فنی پیش بینی نشده که قابل انتساب به عمل طرفین نباشند، هیچ پیش آمدی نمی تواند تعادل اقتصادی پیمان را دگرگون کرده یا موضوع آن را تغییر دهد». «نظریه تعهدات پیش بینی نشده برای پیمانکاری که در حین اجرای عملیات موضوع پیمان با دشواری های مادی پیش بینی ناپذیر مواجه شده و قیمت انجام پیمان افزایش می یابد، حق مطالبه غرامت شناسایی می کند».^۳

شرایط اعمال «تعهدات غیرمنتظره» هم مشابه شرایط اعمال تئوری «امپرویزیون» در حقوق اداری است یعنی شرایط جدید باید غیر قابل پیش بینی و خارج از کنترل طرفین بوده و منجر به تغییر اساسی قرارداد گردند. ولی برخلاف «امپرویزیون»، صرفاً به اوضاع و احوالی که در قرارداد ساخت، وقایعی طبیعی و مادی هستند، مربوط می شود (مسائلی مربوط به زمین یا آب و هوا، مثلاً پیدا شدن پاره سنگ در زمین). در همین راستا ماده ۱۷۹۳ ق. م. مقرر می کند که در یک قرارداد ساخت، وقتی مبلغ کل پرداختی در قرارداد قید شده باشد، قیمت کار نباید تغییر یابد. ولی این ماده در موارد مختل شدن اساسی قرارداد به علت وقوع شرایط پیش بینی نشده، مشمول استثنائات مختلفی قرار گرفته است.^۴ در واقع دادگاه ها گرایش دارند که

1. Riom, 17 May 1979, D. 1980, J, p. 12 with obs. G. A.

2. Théorie des sujétions imprévues.

3. Degoffe, Michel, Marchés publics de travaux: exécution financière, Dalloz Action, 2010, no. 1520.

4. Cass., 8 March 1965, GP, 1997, 32 with obs. M. Peisse; Cass. Civ., 12 March 1997, Bull, III, n° 54; S. Primont, L'économie, p. 274.

قاعده خشک مندرج در ماده ۱۷۹۳ را تا حد ممکن مضیق تفسیر کنند؛ مثلاً دادگاه‌ها گهگاه این دکترین را به فرض‌هایی که در آن‌ها شرایط جدید، ماهیتی طبیعی نداشته‌اند (مانند افزایش قیمت مواد اولیه) هم تعمیم داده‌اند.^۱ رویه قضایی و دکترین پذیرفته‌اند که پیمانکار حق دارد در مواجهه با شرایط غیرمنتظره که دشواری‌های قابل توجهی را در اجرا ایجاد و توازن قراردادی را به‌طور جدی مختل می‌نماید، تغییر قیمت به شکل دریافت خسارت را بخواهد.^۲

۴-۲- شرط ضمنی

طبق ماده ۱۱۵۶ ق.م. قضاات برای تعیین آثار قرارداد در موارد تردید، بجای توجه به معنای لغوی عبارات، قصد احتمالی طرفین را تفسیر خواهند کرد. طرفین غالباً راجع به حالت‌های مختلف بروز اختلاف، فکر نکرده و صریحاً به آن‌ها در قرارداد نپرداخته‌اند. در برخی از این موارد دادگاه‌ها تلاش کرده‌اند محدوده مسئولیت عدم اجرای تعهدات را با استفاده از این ماده کاهش دهند گرچه برخی نویسندگان فریبکاری در تعیین قصدی برای طرفین که وجود ندارد را تفسیر کرده و گفته‌اند که صادقانه‌تر، تفسیر قرارداد بر اساس حسن نیت یا عرف و عادت است.^۳

بر اساس قاعده ربوس که به تفسیر مربوط می‌شود، طرفین می‌پذیرند که به‌موجب قرارداد یک شرط ضمنی وجود دارد مبنی بر اینکه اگر شرایط غیرقابل پیش‌بینی‌ای اتفاق بیفتد که اجرای قرارداد را برای یکی از طرفین بشدت دشوار سازد، قرارداد الزام‌آور نخواهد بود.^۴

به‌عنوان مثال، قضاات مکانیزم تفسیر را در پرونده ذیل مربوط به اوضاع و احوال غیرمنتظره، اعمال کرده‌اند: قبل از جنگ جهانی دوم، قرارداد کاری امضا شد که حاوی شرطی بود که به صلاحیت دادگاه روئن ارجاع می‌داد. جنگ، کشور را به دو بخش تقسیم کرد و متعاقباً در

1. Civ. Brussels, 11ch; 30 May 1969, SABCA v. État belge, unpublished, confirmed by Brussels, 4th ch., 10 December 1970, RG 1753, quoted by A. de Grand Ry, M A. Flamme and P. Mathei, n° 374, p. 607.

2. European Review of Private Law, Kluwer Law International, 2009, p. 679; Mashael Abdulaziz Alhajeri, Defects Associated with Sub-Surface Ground Conditions in Construction Contracts: A Comparative Legal Synthesis of Aspects of Risk Allocation in Kuwaiti, French, and English Law, Journal of Law, Policy and Globalization, Vol.43, 2015, p. 10.

3. Terré, Francois, L'influence de la volonté individuelle et qualification, L.G.D.J (ed.), Prix Dupin Aîné, 1256, p. 200.

4. WahI, note to Civ. 4th August 1915, S. 17/1916.1,17.

منطقه آزاد کشور قرار گرفتند. قاضی بر اساس مکانیزم تفسیر، شرط صلاحیت دادگاه روئن که طرفین درج کرده بودند را نادیده گرفت و حکم به صلاحیت دادگاه لیون داد.^۱

۵-۲- غبن^۲

اگر در هنگام انعقاد قرارداد عدم توازن بسیار محسوس بین ارزش تعهدات وجود داشته باشد، تئوری «غبن» به مغبون اجازه فسخ می‌دهد.^۳ قانون‌گذار این تئوری را فقط در موارد خاص پذیرفته است.^۴ به عنوان قاعده کلی، تغییر شرایط بعد از انعقاد قرارداد منجر به «غبن» نمی‌شود.^۵ با این وجود، در پرونده‌هایی، دادگاه در فرض شرایط غیرمنتظره، به «غبن» استناد کرده است. مثلاً در پرونده‌ای، قاضی برای توجیه کردن فسخ قرارداد، بجای توسل به مفهوم «امپرویزیون»، به مفهوم «غبن» متوسل شد؛ قرارداد که درست قبل از جنگ جهانی اول منعقد شده بود، به یکی از طرفین حق خرید ملک در آینده با قیمتی معین را می‌داد حقی که پس از ۵ سال از بین می‌رفت. به علت کاهش قابل توجه بهای پول بعد از جنگ جهانی اول، قیمت واقعی به فقط یک سوم ارزش قیمت توافق شده رسید. قاضی برای اجتناب از این اثر غیرمنصفانه، دکترین «غبن» را اعمال کرد.^۶ قانون‌گذار این راه‌حل را در قانون ۲۸ نوامبر ۱۹۴۹ تأیید کرده؛ طبق این قانون «غبن» در فرض تعهد یک‌جانبه به فروش، باید در زمان اجرا ارزیابی شود.^۷

۶-۲- حسن نیت و انصاف

گرچه طرفین به قرارداد ملزم‌اند، ولی قرارداد باید مطابق با قانون، عرف و انصاف اجرا شود. رابطه بین حسن نیت (بند ۳ ماده ۱۱۳۴ ق. م.) و انصاف (ماده ۱۱۳۵ ق. م.)، به روشنی تعریف نشده است.

1. Cass. Soc., 11 June 1942, DC, 1943; p. 135 with obs. J. Flour.

2. Lésion.

۳. ماده ۱۱۸ ق. م. فرانسه.

۴. مثلاً در مورد فروش زمین، اگر تفاوت در ارزش بیش از هفت دوازدهم باشد؛ مواد ۱۶۷۴ به بعد ق. م.

5. Ghestin, Jacques, *Le contrat, Principes directeurs, consentement, cause et objet*, Revue internationale de droit comparé. Vol. 35 N°3, 1983, p. 451; Virion, Pierre-Joseph, op. cit., pp. 70 et seq.

۶. ببینید: Cass. Req., 19 April 1926, S, 1926, I, p. 126.

۷. بند ۲ ماده ۱۶۷۵ ق. م.

از یکسو حسن نیت می تواند موجب تعهد به مذاکره مجدد قرارداد باشد؛^۱ گرچه آثار آن در قانون فرانسه نامعین باقی مانده^۲ ولی پذیرفته شده که اصولاً نمی تواند یک اثر اصلاح (تعدیل) کننده داشته باشد.^۳ مثلاً به تازگی دیوان عالی با اینکه از مداخله کردن در محتوای تعهدات قراردادی استنکاف کرد^۴ ولی با حکم به تکلیف به مذاکره مجدد در فرض تغییر اوضاع و احوال، مانع استفاده نامنصفانه از حقوق قراردادی شد.

از سوی دیگر برخی نویسندگان [تا قبل از تغییر ق. م. فرانسه در سال ۲۰۱۶] پیشنهاد می کردند که: «انصاف» بتواند عملکردی اصلاح کننده داشته باشد به طوری که قاضی بتواند در صورت تغییر اوضاع و احوال، با استناد به انصاف قرارداد را تعدیل کند^۵ چون ماده ۱۱۳۵ ق. م. (راجع به انصاف) به دادگاه اجازه می دهد که بر اساس «انصاف» تعهداتی را به طرفین تحمیل کند، حال آنکه بند ۳ ماده ۱۱۳۴ ق. م. [راجع به حسن نیت]، به رفتار طرفین (اجرای قرارداد با حسن نیت) مربوط می شود نه به وضعیت قرارداد (تعدیل).

۷-۲- تقسیط دین و مهلت ارفاقی^۶

در جایی که بدهکار به علت وقوع شرایط غیر قابل پیش بینی، با دشواری هایی در تأدیه روبرو می شود، قاضی حق دارد طبق بند ۱ ماده ۱۲۴۴ ق. م. تأدیه را دو باره بر نامه ریزی کند و به عبارت دیگر برای پرداخت، مهلت دهد. طبق این ماده، قاضی می تواند با توجه به وضعیت مدیون و با در نظر گرفتن نیازهای طلبکار، در یک محدوده زمانی دو ساله پرداخت مبالغ سر رسید شده را

1. Cass civ, 16.3.2004, Jur. P. 1754.

2. Brunner, Christoph, Force Majeure and Hardship under General Contract Principles, Wolters Kluwer, 2009, pp. 404-405.

3. C. Albiges, De l'équité en droit privé, 200, n° 305, Paris: LGDJ 2000;

در مورد تمایز بین بند ۳ ماده ۱۱۳۴ و ماده ۱۱۳۵ ق. م. ببینید:

P. Jacques, 'Regards sur l'article 1135 du Code civil', Dalloz, 2005, p. 295; quoted from: Denis Philippe, Unexpected Circumstances in European Contract Law, Edited by: Ewoud Hondius & Hans Christoph Grigoleit, Cambridge University Press, 1 ed, 2011, p. 168, fn. 72.

۴. Cass. Com., 10 July 2007, n° 06-14.768, 2007 AJ 1955, obs. X. Delpech.

5. D. Tallon, La révision du contrat pour imprévision au regard des enseignements du droit comparé, Droit et vie des affaires, Etudes à la mémoire de A. SAYAG, ۱۹۹۸, pp. 403 et seq.; Cherigny, Florence, La révision judiciaire des conventions en droit privé français (thesis), Université de Poitiers, 1994, p. 78.

6. Deferred payment.

به تعویق انداخته یا قسط‌بندی کند. از حکم مقرر در این ماده به «مهلت ارفاقی»^۱ تعبیر شده است. این مهلت از قواعد مربوط به نظم عمومی و به موجب بند ۳ این ماده هر توافقی برخلاف آن باطل و بلااثر است. البته این مقرر را نمی‌توان قاعده‌ای مربوط به اوضاع و احوال غیرمنتظره تلقی کرد، چون محتوای تعهد مدیون، بدون تغییر باقی می‌ماند و فقط زمان اجرا به تأخیر می‌افتد. باین وجود، در رابطه با مشکلات ایجاد شده در اجرای تعهدات بعد از جنگ جهانی اول، برخی قضات از این مقرر به عنوان مبنای حقوقی برای اصلاح تعهدات قراردادی، استفاده کرده‌اند.^۲

نتیجه‌گیری

سال‌های سال حقوق فرانسه با تکیه افراطی بر اصل لزوم قراردادهای، تئوری «امپرویزیون» در قراردادهای خصوصی را شناسایی نمی‌کرد و فقط به‌طور استثنایی و در موارد خاصی آن را پذیرفته بود، اما می‌شد گرایشی بر امکان مداخله در قرارداد را در دکتین و رویه قضایی مشاهده کرد: از یک سو دکتین تلاش‌های وسیعی را برای تهیه پیشنهادهایی برای اصلاح قانون انجام دادند.^۳ در این راستا تصویب سند اختیاری اروپایی در خصوص حقوق قراردادهای که تغییر اوضاع و احوال را قاعده‌مند می‌کند، بر حقوق داخلی فرانسه تأثیر گذار بوده است.^۴ از دیگر سو نتایج نامطلوب و نامنصفانه‌ای که عدم پذیرش این تئوری در حقوق خصوصی در بسیاری موارد به دنبال داشته است، دادگاه‌های حقوقی را وادار ساخته بود تا زمان تغییر قانون از دیگر مکانیزم‌های حقوقی^۵ موجود که در بادی امر به تغییر اوضاع و احوال مربوط به نظر

1. delai de grace.

2. Rouen, 19 May 1871 (the war between France & Germany), D., 1871, 2, 79.

۳. توضیحات صص ۱۲ تا ۱۴ در خصوص پروژه‌های «کاتالا»، «شانسلی» و «تر» را ببینید.

4. See Proposal for a regulation of the European Parliament and the Council on the common European Sales Law, 11 October 2011, COM (2011) 635 final, 2011/284, COD, article 89 of proposal.

۵. تا قبل از اصلاحات ق. م. در سال ۲۰۱۶، مفهوم «علت» (cause) نیز از جمله مکانیزم‌هایی بود که مورد استفاده قضات قرار می‌گرفت. در برخی آراء قضایی «علت» بسیار به دو مفهوم «حوادث پیش‌بینی نشده» و «عقیم شدن هدف»، نزدیک شد. مثلاً اگر قرارداد اعطای امتیاز انحصاری، به نتایج مدنظر طرفین منجر نمی‌شد، رویه قضایی معتقد بود که قرارداد فاقد هر گونه «جهتی» است. (Cass. 21 February 1837, S, 1837, I, p. 187; 22 August 1844, S, 1844, I, p. 831; Cass. Req., 12 April 1861, S, I, p. 735.)

همچنین در حکمی قرارداد منعقد بین وراثت بالقوه و یک شجره شناس، فاقد «جهت» دانسته شد، وقتی که وراثت توانسته بودند بدون مداخله شجره شناس از وضعیت وراثت آگاه شوند. در رأی دیگر، تعهد فروشی در سال ۱۹۰۸ که در سال ۱۹۶۵ مطالبه شد، به



نمی‌رسیدند، بهره‌برند تا تعادل را به قرارداد بازگردانند؛ آن‌ها در حد امکان تلاش می‌کردند با استفاده از چهارچوب‌ها و ابزارهای غیرمستقیم موجود در قانون، به نتایجی مشابه آنچه دادگاه‌های اداری با اعمال دکترین «امپرویزیون» ایجاد می‌کنند، دست یابند. ابزارهایی مانند «تفسیر مضیق از اصل لزوم قراردادها»، «تفسیر موسع از فورس ماژور»، اعمال مفاهیمی چون «غبن»، «جهت»، «اشتباه»، «شرط ضمنی»، «تعهدات غیرمنتظره»، «حسن نیت و انصاف» و «مهلت ارفاقی» در صورت وقوع شرایط جدیدی که اجرای قرارداد را دشوارتر یا پرهزینه‌تر می‌سازند. در نتیجه تلاش‌های دکترین و رویه قضایی فرانسه، نهایتاً قانون‌گذار در فرمان مورخ ۲۰۱۶ و در ماده ۱۱۹۵ اصلاحی ق.م. صراحتاً این نهاد را مورد شناسایی قرار داد.

مطالعات حقوق تطبیقی اخیر نیز، تمایل کشورهای اروپایی به هماهنگ‌سازی راه‌حل‌های مربوط به مسئله تغییر اوضاع و احوال و هاردشیپ و ایجاد همگرایی میان این راه‌حل‌ها به سمت حفظ قرارداد («اصل استحکام قراردادها») از طریق مذاکره مجدد و تعدیل قرارداد را نشان می‌دهند؛ روندی که در پرتو نتایج تحلیل اقتصادی حقوق نیز توجیه بیشتری دارد. به نظر می‌رسد راهی که رویه قضایی و قانون‌گذار فرانسه اکنون و در جریان یک دوره طولانی آزمون و خطا، برگزیده، راهی است که قانون‌گذار ایران نیز خواه‌ناخواه در سال‌های آینده در پیش خواهد گرفت: فاصله گرفتن از برداشت متعصبانه و مضیق از اصل لزوم قراردادها و نزدیک شدن به فضایی که امکان بازنگری در قرارداد متأثر از تغییر اساسی اوضاع و احوال به دست قاضی را میسر کند.

دلیل فقدان «جهت» باطل اعلام گردید چون با توجه به کاهش ارزش پول، قیمت مبیع در آن زمان خیلی کم و خنده‌دار شده بود. پس در برخی پرونده‌ها، شرایط و اوضاع و احوال آتی، ممکن بود بتواند علت قرارداد (هدف قرارداد) را از آن سلب کند.
(Société pour L'extension et L'embellissement de la ville de Biarritz v. Guillaume)

منابع فارسی

- فورت، آ.د.م. «بررسی تطبیقی نظریه عقیم شدن اقتصادی قراردادهای تجاری». ترجمه حسین میرمحمد صادقی، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، ش ۱۰، (۱۳۷۱).
- حسین آبادی، امیر، «تبادل اقتصادی در قرارداد (۲)»، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۲۱ و ۲۲، (زمستان ۷۶ تا تابستان ۷۷).
- طباطبائی مؤتمنی، منوچهر، حقوق اداری، چ ۱۶، (تهران: سمت، ۱۳۹۰).

English and French References:

- R.A. Momberg Uribe, The effect of a change of circumstances on the binding force of contracts- Comparative perspectives, PhD thesis Utrecht University, 2011.
- Denis Philipe, France and Belgium, in: Foreseen and Unforeseen Circumstances, A.G. Castermans et al. (rds.), Kluwer, 2012.
- Delvolvé, Jean-Louis, L'imprévision dans les contrats internationaux, in Travaux du Comité français de droit international privé, 1988-1990, pp. 147-170.
- Voirin, Pierre-Joseph, De l'imprévision dans les rapports de droit privé: [Thèse], Nancy, 1922.
- Ingeborg Schwenzer, Force Majeure and Hardship in International Sales Contracts, VUWLR, vol. 39, 2008, pp. 709-726.
- A. D. M. Forte, Economic Frustration of Commercial Contracts- A Comparative Analysis with Particular Reference to United Kingdom, The Judicial Review, 1984, pp. 1-24.
- Mazzacano, Peter, 'Force Majeure, Impossibility, Frustration & the Like: Excuses for Non-Performance; the Historical Origins and Development of an Autonomous Commercial Norm in the CISG', Nordic Journal of Commercial Law, 2011, pp. 1-54.
- R.A. Momberg Uribe, The effect of a change of circumstances on the binding force of contracts- Comparative perspectives, PhD thesis Utrecht University, 2011.
- Avant-projet de réforme du droit des obligations et du droit de la prescription, Arts. 1135-1 to 1135-3, available at: <http://www.ladocumentationfrancaise.fr>.
- Catala, Pierre (dir.), proposals for reform of the law of obligations, translated by John Cartwright & Simon Wittaker, Oxford, UK, 2007.
- Velimir Živković, 'Hardship in French, English and German Law', in Strani pravni život (Foreign Legal Life) - Review of the Institute of Comparative Law in Belgrade, Vol. 1, 2013, pp. 1-18, Draft available at: <http://ssrn.com/abstract>.



- Denis Philippe, Foreseen and Unforeseen Circumstances, A. G. Castermans, K.J.O. Jansen, M.W. Knigge, P. Memelink & J.H. Nieuwenhuis (eds.), Wolters Kluwer, 2012.
- Denis Philippe, Unexpected Circumstances in European Contract Law, Edited by: Ewoud Hondius & Hans Christoph Grigoleit, Cambridge University Press, 1 ed. 2011.
- Terré, Francois, Pour une réforme du droit des contrats, Dalloz, 2008, Art. 92.
- Terré, Francois, L'influence de la volonté individuelle et qualification, L.G.D.J (ed.), Prix Dupin Aîné, 1256
- Lutzi, Tobias, Introduction Imprévision into French Contract Law- Lesson to be learned from the German codification in 2002, Ius Commune Workshop on Contract Law, 2015.
- Puelickx, Alfons-Hendrik, Frustration, Hardship, Force Majeure, Imprévision, Wegfall der Geschäftsgrundlage, Unmöglichkeit, Changed Circumstances, 3 J.Int'L Arb. 1986, N. 2, pp. 47-66.
- Thomas, Christopher S, Aspects of building contracts: a comparative view of English and French law in the light of potential harmonization, Thesis submitted for PhD School of Law- King's College London, 2016.
- Tunc, André, 'Force majeure et absence de faute en matière contractuelle', Rev. Trim. Dr. Civ., 1945.
- Mashaal Abdulaziz Alhajeri, Defects Associated with Sub-Surface Ground Conditions in Construction Contracts: A Comparative Legal Synthesis of Aspects of Risk Allocation in Kuwaiti, French, and English Law, Journal of Law, Policy and Globalization, Vol.43, 2015, pp. 1-11.
- Ghestin, Jacques, Le contrat, Principes directeurs, consentement, cause et objet, Revue internationale de droit comparé. Vol. 35 N.3, 1983, pp. 661-662.
- Brunner, Christoph, Force Majeure and Hardship under General Contract Principles, Wolters Kluwer, 2009.
- Tallon, D., La révision du contrat pour imprévision au regard des enseignements du droit comparé, Droit et vie des affaires, Etudes à la mémoire de A. SAYAG, 1998.
- Cherigny, Florence, La révision judiciaire des conventions en droit privé français (thesis), Université de Poitiers, 1994.